

مقایسه مواد ۵۲۶ و ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی ایران

در خصوص تصادفات

ام‌البنین مقتدایی^۱

چکیده

هدف این مقاله بررسی اقسام تعدد اسباب، ضمن تعریف تعارض و اقسام آن در اصول فقه و حقوق، رابطه بین دو ماده قانون مجازات اسلامی است. در همین زمینه، اقسام اجتماع سبب و مباشر بررسی شده که در اجتماع یک سبب و یک مباشر با تأثیر جداگانه، در صورت اقوی نبودن سبب از مباشر، مباشر مسئول است و در صورت تساوی مباشر و سبب در استناد عرفی جنایت به هر دو، از نظر برخی فقها و حقوقدانان، تساوی مسئولیت است. در اجتماع چند مباشر به نحو مجمل، نظراتی مطرح شده، از جمله نظریه تحمیل مسئولیت به یکی از مباشرین از طریق قرعه و نظریه رجوع به قواعد عمومی. در اجتماع چند سبب، نظراتی مطرح شده از جمله برابری اسباب، مسئول قلمداد کردن سبب مقدم، مسئول قلمداد کردن سبب مؤخر. در اجتماع چند عامل برخی به مباشرت و برخی به تسبیب، با توجه به ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی چهار نحوه از ضمانت مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به رابطه کشف شده بین دو ماده ۵۲۶ و ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی، نمی‌توان به عنوان یک قاعده کلی، لحاظ درجه تأثیر را پذیرفت و آن را مبنا قرار داد؛ زیرا چنین مبنایی، به نحو تقدم ماده ۵۲۶ بر ماده ۵۲۸ و بروز مشکلاتی خواهد بود. در این مقاله که برای اولین بار رابطه بین این دو ماده، با استفاده از قواعد اصول فقه، نسبت بین دو ماده، به صورت عموم و خصوص من وجه مورد پذیرش قرار می‌گیرد؛ ضمن بررسی اقسام جمع عرفی، ماده ۵۲۸ به نحو حکومت دامنه ماده ۵۲۶ را مضیق می‌کند و نتیجه حاصله آن است که همه جا نمی‌توان درجه تأثیر را لحاظ کرد بلکه، درجه تأثیر، ملاک قرار می‌گیرد الا در تصادفات.

کلیدواژه‌ها: تعدد اسباب، تعریف تعارض، اقسام تعارض، جمع عرفی

۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران

ایمیل: omolbaninmoqtadaei@gmail.com

مقدمه

از آنجا که درک صحیح برخی از مواد قانون دارای ابهامات خاصی بوده یا در تطبیق با برخی از مواد دیگر، دارای پیچیدگی می‌شود، لازم است که این مواد تفسیر شود. علم اصول فقه با ارائه قواعد کلی برای استنباط احکام، می‌تواند نقش مؤثری در استنباط قوانین حقوقی که عموماً بر مبنای فقهی بنا شده، داشته باشد. لذا در این مقاله، سعی شده تا با توضیح برخی از جوانب مواد ۵۲۶ و ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی، در ضمن بررسی لحاظ درجه تأثیر در برخی جنایات، ارتباط اصولی این دو ماده بیان گردد تا بکارگیری این مواد به صورت مبنایی و منطقی مورد استفاده قرار بگیرد.

از آنجا که عمدتاً در جنایات، درجه تأثیر مورد لحاظ قرار می‌گیرد؛ باید گفت: در اجتماع چند عامل برخی به مباشرت و برخی به تسبیب، بنا بر ماده ۵۲۶ درجه تأثیر لحاظ شده در حالیکه بنا بر ماده ۵۲۸ درجه تأثیر لحاظ نشده و این نشان دهنده این است که رابطه‌ای بین این دو ماده وجود دارد که در عین اشتراک، در برخی از جهات، تفاوت‌هایی با هم دارند و همین امر سبب شده که در یکی، درجه تأثیر لحاظ شود و در دیگری چنین لحاظی صورت نگیرد و همین امر ممکن است باعث بروز مشکلاتی در استناد جنایت به یکی از عوامل قرار بگیرد. بنابراین لازم است تا ریشه چنین اختلافی ارزیابی شود. در این مقاله با کشف ارتباط اصولی بین این دو ماده به نحو عموم و خصوص من وجه، علت این اختلاف و راه حل چنین مشکلی، بررسی شده است.

۱. تعدد اسباب

یکی از عناصری که سبب مسئولیت مدنی و جبران خسارت است، رابطه سببیت است؛ زیرا اثبات ورود ضرر به زیان دیده و ارتکاب تقصیر، به تنهایی مسئولیت جبران خسارت را توجیه نمی‌کند. برخی اوقات در وقوع یک حادثه، اسباب و علل متعددی نقش دارد. در چنین مواردی، احراز سببیت عرفی دشوار می‌شود؛ چنانکه که گاهی اجتماع سبب و مباشر، ممکن است در وقوع یک حادثه یا جنایت، نقش داشته باشد.

(صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۱۲)



۱-۱. اقسام تعدد اسباب و عوامل

به طور کلی برای این که فردی مرتکب جنایت شود، باید به دو صورت عمل کند؛ یا خودش آن جرم را انجام دهد که به آن مباشر می گویند یا مسبب انجام آن جرم باشد که به آن سبب گویند. وقوع نتیجه زیان بار، گاهی منتسب به یک یا چند عامل به طور مستقیم است و شخص یا اشخاصی، مباشر در جنایت هستند، در مواقع دیگری شخص یا اشخاص، به طور غیر مستقیم سبب وقوع جنایتی می گردند و جنایت، تسبیب محض است و در نهایت اینکه زمانی عواملی در جنایت به نحو سبب و به صورت غیر مستقیم و عوامل دیگری به طور مستقیم و مباشر در وقوع جنایت، تأثیرگذار است و نتیجه به بار آمده در اثر همکاری آن ها است. در این موارد بحث اجتماع سبب و مباشر مطرح می گردد. در تعریف این حالت گفته شده که «اجتماع سبب و مباشر، در موردی است که دو نفر موجب ایراد ضرر جانی یا مالی بر ثالثی شوند؛ یکی سبب ضرر باشد و دیگری مباشر ضرر». (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ۱: ۱۴۲)

الف. اجتماع یک سبب و یک مباشر با تأثیر جداگانه: در این مورد دو عامل زیان، باعث خسارت های جداگانه ای به آسیب دیده می شود؛ به گونه ای که ممکن است تأثیر یک عامل بیشتر از تأثیر عامل دیگر باشد. در موارد اجتماع سبب و مباشر به استناد مواد ۳۶۳ و ۳۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ماده ۳۳۲ قانون مدنی، اصولاً مباشر، اقوی و مسئول شناخته می شود و مسئولیت سبب نیاز به دلیل و اثبات دارد؛ زیرا رابطه علیت بین عمل مباشر و نتیجه به بار آمده عرفاً قوی تر است. در قانون مدنی ماده ۳۳۲ مقرر شده «هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود مباشر مسئول است نه سبب، مگر اینکه سبب اقوی باشد؛ به نحوی که عرفاً اتلاف مسند به او باشد».

با توجه به این ماده، اصل بر مسئولیت مباشر قلمداد شده است. فقهای چون صاحب جواهر، شیخ طوسی و آیت الله خویی معتقدند که در این صورت، مباشر مسئول است.^۱

۱. و أن قاعدة تقديم المباشر على السبب المعلومة عندهم (نجفی، ۱۴۳۲، ۳۷: ۶۸) وفأما إن كان واقفاً في موضع ضيق وهو أن



در مواردی که مباشر، اقوی شمرده می‌شود و مسئول جنایت است، اگر سبب عالم و عامد باشد، عنوان او معاونت در جرم است؛ مانند کسی که سلاح خود را با علم به ارتکاب قتل توسط آن، در اختیار دیگری قرار می‌دهد و قتل با این اسلحه واقع شود، ولی در صورتی که عالم و عامد نباشد، عنوان کیفری دیگری ندارد. (آقای نیا، ۱۳۸۶، ۴۸) به طور کلی اجتماع سبب و مباشر سه صورت دارد:

ب. اقوی نبودن سبب از مباشر: در این صورت، مباشر مسئول است که ماده مذکور نیز همین معیار را بیان می‌کند؛ زیرا با وجود مباشر، مسئول قلمداد کردن سبب غیر عاقلانه است و مباشر نزدیک به نتیجه است. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۱۹) همین نظر با ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و رای شماره ۱۹۲۳ مورخه ۱۳۷۲/۱/۳۰ شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور، مطابق است.

ج. تساوی سبب و مباشر: معیار مهم در این مواقع، اسناد عرفی جنایت است که به هر دو عامل نسبت داده می‌شود. در نتیجه هر دو عامل مسئولند. فقهای چون قاضی بن براج^۱ و صاحب جواهر^۲ بر این عقیده‌اند.

د. اقوی بودن سبب از مباشر: در صورتی سبب، مسئول است که در نظر عرف رابطه استناد نسبت به سبب احراز شده باشد. بحث اجتماع سبب و مباشر در جایی مطرح می‌شود که مباشر و مسبب، هر دو انسان هستند و تردید در آن است که کدام یک اقوا بوده است؛ مثل اینکه مباشر با اکراه دیگری، اقدام به ایراد خسارت کند. (امام

وقف فی طریق ضیق للمسلمین فصدمه ههنا و ماتا معافدية الصادم مضمونة لأنه تلف بسبب فرط فيه الواقف، و ذلك أنه وقف فی موضع ليس له أن يقف فيه كما إذا جلس فی طریق ضیق فعثر به آخر فماتا فعلى عاقلة الجالس كمال دية العاثر لأنه مات بسبب كان منه وهو جلوسه، ولا فصل بین أن يكون جالسا و بین أن يكون واقفا فصدمه، فإن أحدهما مات بسبب و الآخر بالمباشرة. (شیخ طوسی، ۱۳۶۲، ۷: ۱۶۷) ففي المقام بما أن الفعل مستند إلى المباشر دون السبب، ولا دليل على ضمانه لا يمكن الالتزام به. (موسوی خوئی، ۲۰۰۷، ۴۲: ۳۲۰)

۱. مسأله: إذا كان الإنسان جالسا فی طریق، فعثر به انسان آخر عثرة فهلك الجالس. فماتا جميعاً، ما الحكم فيهما؟ الجواب: إذا ماتا على الوجه المذكور، كان على عاقلة كل واحد منهما كمال الدية، لأن كل واحد منهما، مات بسبب انفراد به الآخر، لأن الجالس قتله العاثر مباشرة، والعاثر مات بسبب كان من الجالس ويجرى ذلك مجرى من حفر بئرا في غير ملكه فجاء آخر فجرح الحافر وسقط الجرح في البئر، فإن الجرح قتل الحافر مباشرة، والحافر قتل الجرح بسبب. (قاضی بن براج، ۱۴۱۸، ۱: ۲۱۷)

۲. لو حبس الشاة أو حبس المالك عن حراسة ماشيته فاتفق تلفها أو غصب دابة فتبعها ولدها: «ينشأ في الأول من أنه مات بسببه، لصحة إسناده إليه عرفاً، ولأن للسبب هو فعل ما يحصل الهلاك عنده لعله سواء، وهذا تفسير بعض الفقهاء، وزاد آخرون: ولولا لما أثرت العلة، وهذا التفسير أولى. (نجفی، ۱۴۳۲، ۳۷: ۴۹)



خمینی، ۱۳۸۳، ۲: ۵۶۹)

از مجموع مباحث فقها در این مورد و از اشاره به عرف در ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی، به نظر می‌رسد که اقوی بودن را باید با مراجعه به عرف مشخص کرد و در موردی که از نظر عرف، اقدام مباشر کاملاً نامتعارف و نامعمول باشد (مثل اینکه دختری برای فرار از متلک‌گویی شخص مزاحم، خود را زیر چرخ‌های وسیله نقلیه بیندازد)، نمی‌توان سبب را اقوی از مباشر دانست؛ زیرا در چنین حالتی، سبب عرفاً اقوی از مباشر محسوب نمی‌شود. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۷: ۵۰-۵۲)

به‌طور کلی مواردی که مباشر از صغیر غیر ممیز، بی‌اختیار، مجنون، جاهل، مغرور و مانند آن‌ها برای ارتکاب جنایتی استفاده نماید، سبب اقوی از مباشر است؛ زیرا تسبیب اعم از استناد است و تسبیب در جایی موجب استناد است که مباشر، جاهل^۱ و مانند آن باشد.

۱-۲. اجتماع چند مباشر به نحو مجمل

هرگاه علت زیان، مباشر واحدی بوده، ولی مردد بین چند شخص باشد و عامل زیان معلوم نباشد. برای تعیین مسئولیت یا تقسیم آن، نظرات ذیل مطرح شده است:

الف. تحمیل مسئولیت به یکی از مباشرین از طریق قرعه: در ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی سابق (مصوب ۱۳۷۰) آمده است «اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هرکدام ادعا کند که دیگری کشته است، علم اجمالی هم بر وقوع قتل توسط یکی از آن دو نفر باشد و حجت شرعی بر قاتل بودن یکی اقامه نشود و نوبت به دیه برسد، با قید قرعه دیه از یکی از آن‌ها گرفته می‌شود».^۲

راه‌حل مزبور در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ کنار گذاشته شد و راه‌حل‌های دیگری مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفت.

ب. رجوع به قواعد عمومی: یکی از نظریاتی که در حقوق فرانسه، در ارتباط با تصادم دو وسیله نقلیه، پذیرفته شده، نظریه تعارض اماره‌های مسئولیت و سقوط آن‌ها

۱. فالتسبیب إلى وقوع أمر - كالخسارة - یوجب انتسابه أيضاً إلى السبب إذا كان المباشر جاهلاً. (قانی، ۱۴۳۰، ۲: ۱۳۴)

۲. فالقتل یكون منسوباً إليهم لأقوانية السبب فی مثل المقام من المباشر عند العرف والعلاء، (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۰، ۱: ۸۱)

و رجوع به قواعد عمومی است. به این معنا که عامل زیان، مسئول و مکلف به جبران خسارت است، مگر اینکه ثابت کند که یک عامل خارجی غیرقابل اجتناب و غیرقابل پیش‌بینی (قوه قاهره) سبب ایراد خسارت بوده است. در مورد تصادم دو وسیله نقلیه چون اماره منتفی می‌شود، باید به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ایران^۱ و ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه؛ یعنی مسئولیت مبتنی بر تقصیر رجوع کرد. پس اگر یکی از رانندگان مقصر باشد او باید مسئول شناخته شود و علاوه بر اینکه خسارت خود را باید تحمل کند، جبران خسارت طرف دیگر نیز به عهده او خواهد بود و اگر هردو مقصر باشند، مسئولیت به نسبت شدت و ضعف تقصیر، تقسیم می‌شود.^۲

در ماده ۳۵۵ قانون مجازات اسلامی که متضمن فرض خطای مشترک است، آمده: «در تصادم دو کشتی یا قطار یا خودرو و امثال آن، مسئولیت با طرفی است که در نتیجه عمد یا مسامحه او تصادم به وجود آمده است و اگر هر دو طرف تقصیر یا مسامحه کرده باشند، هر دو مسئولند».

اکنون باید گفت که با توجه به نظریات بیان شده، به نظر می‌رسد دادگاه‌ها بر حسب اوضاع و احوال حادثه، یکی از دو نظریه تساوی شرایط و علت مناسب را می‌پذیرد؛ همان‌طور که آرای صادره در مورد تصادفات جمعی، مؤید این مطلب است.

۱-۳. اجتماع چند سبب

در قانون مجازات اسلامی به‌طور صریح و مستقل، حکم دخالت اسباب متعدد به‌صورت عرضی بیان نشده است؛ اما اطلاق ماده ۵۳۳ این قانون، شامل تعدد اسباب عرضی نیز می‌شود. طبق ماده مزبور «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به‌طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به‌طور مساوی ضامن می‌باشند»؛ اما در مورد اجتماع

۱. ماده ۱: هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.

2. J. CARBONNIER, Droit Civil, T.4, Les Obligations, 20e ed. 1996, no 249; T.2 Les biens et les obligations, 3e ed. 1962, no 193; G.MARTY et P.RAYNAUD, Droit civil, T.2, 1er vol., les obligations, Paris 1962, no 446; H. L. J. MAZEAUD et F.CHABAS, Leçons de Droit civil, T.2, Obligations, 8e ed. Paris 1997, no 599



طولی اسباب، به‌طور کلی سه ملاک زمان حدوث اسباب، زمان تأثیر اسباب و قصد اسباب قرار دارد.

با توجه به سه ملاک فوق، چهار حالت برای اجتماع اسباب، متصور است:

الف. هرگاه همه اسباب طولی، عامد یا شبه عامد باشند: برای مثال، کسی به‌قصد اینکه فردی در گودال بیفتد و بمیرد، گودالی حفر کند و سپس فرد دیگری به‌قصد این‌که فرد مورد نظر در گودال بیفتد، جلوی گودال سنگی بگذرد. در این حالت چون همه این اسباب عامد هستند و قصد ارتکاب جنایت دارند، شریک جرم محسوب خواهند شد.

طبق این نظر که به‌عنوان نظریه تساوی در اسباب معروف است، اگر چند سبب به‌طور هم‌زمان باعث ایجاد خسارت شود، ظاهراً قانون‌گذار به برابری اسباب قائل شده؛ چنانکه در ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی آمده: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت، سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند؛ به‌طوری که جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به‌طور مساوی ضامن می‌باشند». نظریه تقسیم به‌تساوی در حقوق فرانسه هم طرفدارانی دارد. این نظریه در موارد چندی از قانون پیشین مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نیز منعکس شده بود. برابر ماده ۳۳۷ قانون یاد شده «هرگاه دو وسیله نقلیه در اثر برخورد با هم باعث کشته شدن سرنشینان گردند در صورت شبه عمد بودن راننده هر یک از دو وسیله نقلیه ضامن نصف دیه تمام سرنشینان خواهد بود و در صورت خطای محض عاقله هرکدام عهده‌دار نصف دیه تمام سرنشینان است و اگر برخورد یکی از آن دو شبه عمد و دیگری خطای محض باشد ضامن برحسب مورد پرداخت خواهد شد».

همین ماده مورد استناد رأی وحدت رویه ۷۱۷ مورخ ۱۳۹۰ واقع شده است. در ماده ۳۳۶ قانون پیشین نیز همین قاعده منعکس شده است. با اینکه اصل تقسیم به تساوی، به‌عنوان قاعده اولیه و اصلی، معقول و قابل توجیه است، ولی از آنجا که حکم به تساوی، حتی در صورت اثبات تفاوت تأثیر عمل هر یک در ایراد ضرر، غیرعادلانه می‌نماید. ماده ۳۳۶ قانون پیشین مجازات اسلامی مورد انتقاد برخی از



استادان حقوق واقع و اصلاح آن پیشنهاد شده بود. (ر.ک. صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۱۴۳)

خوشبختانه در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به این نکته توجه شده و در ماده ۵۲۸ آن، چنین آمده است: «هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی راننده یا سرنشینان آن‌ها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هر یک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند هر یک از رانندگان مسئول یک سوم دیه راننده‌های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه است و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر محاسبه می‌شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به گونه‌ای که برخورد به او مستند شود فقط او ضامن است».

ب. عامد نبودن اسباب: حالت دوم زمانی متصور است که هیچ کدام از اسباب عامد نباشد. در این حالت سبب مقدم، در تأثیر مسئول خواهد بود. در مثال فوق اگر هیچ کدام از دو فردی که گودال حفر کرده و سنگ جلوی گودال گذاشته، قصد ارتکاب جنایت نداشته باشد و فرد دیگری ابتدا پایش به سنگ برخورد و در گودال پرت شود، کسی که سنگ را در جلو گودال گذاشته، مسئول است؛ زیرا سبب اول، مقدم در تأثیر است.

هرچند در همین مورد عده‌ای به پذیرش سبب مؤخر قائل هستند؛ چنانکه می‌بینیم در ماده ۳۷۱ قانون مزبور آمده: «هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند و بعد از آن، دیگری او را به قتل رساند قاتل همان نفر دوم است، اگرچه آسیب سابق به تنهایی موجب مرگ می‌گردد و اولی فقط به قصاص عضو محکوم می‌شود».

در این ماده سبب مؤخر در تأثیر، قاتل معرفی شده است؛ اما هرچند که صدق عرفی اتلاف ملاک تعیین مسئولیت مدنی و جبران خسارت است، باید بگوییم نظر درست آن است که این دو عامل به صورت مساوی در ایجاد خسارت، نقش دارند. ج. اگر برخی از اسباب مجاز و برخی دیگر غیرمجاز باشند، سببی که غیرمجاز است مسئول است.



د. در صورت عامد بودن سبب مؤخر در حدوث، مسئولیت به او نسبت داده می‌شود.

برای مثال پس از حفر چاه توسط کسی، شخص دیگری به قصد افتادن شخص ثالث در آن، در جلو چاه سنگی قرار دهد. در اینجا قصد و نیت در احراز رابطه استناد مؤثر دانسته شده است.

۱-۴. اجتماع چند عامل برخی به مباشرت و برخی به تسبیب

در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مقرر شده که «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و برخی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست، ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند. مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت، هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد، فقط سبب ضامن است».

آنچه به نظر می‌رسد این است که در این ماده به چهار نحوه جبران خسارت بیان شده است:

نحوه اول: ضمانت عاملی که جنایت مستند به او است.

نحوه دوم: تساوی به جبران خسارت در صورت استناد جنایت به تمام عوامل. اسبابی که در عرض هم بوده و هر یک مستقل از دیگری عمل می‌کند، بدون اینکه وجود هر یک شرط تأثیر دیگری باشد، هرکدام به طور مساوی مسئول است. لذا در صورتی که اسباب متعدد در عرض هم باشد، همه آن‌ها مسئولیت مشترک دارند، هرچند نیرو یا اندازه تأثیر آن‌ها یکسان نباشد. (نجفی، ۱۴۱۳، ۳۷: ۵۵)

نحوه سوم: جبران خسارت بر اساس میزان تأثیر رفتار مرتکبان. در مباحث شبه جرم و قواعد مسئولیت مدنی میزان تأثیر اهمیت دارد.

نحوه چهارم: ضامن بودن سبب در صورتی که مباشر در حال جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد.

چنانکه مشاهده می‌شود در این ماده به جبران خسارت بر اساس میزان تأثیر رفتار مرتکبان اشاره شده است و این یعنی تأثیر میزان رفتار مرتکبان در جبران خسارت و ایجاد مسئولیت مدنی.

اکنون باید ببینیم بنا بر اطلاق ماده، آیا می‌توان گفت درجه تأثیر در تمام جنایات، مورد لحاظ قرار می‌گیرد؟ و اگر این لحاظ فقط در برخی از جنایات از جمله مباحث شبه جرم و قواعد مسئولیت مدنی مورد لحاظ است، چرا در این ماده اشاره‌ای به این موارد نشده است؟

در کلام برخی از فقها، از درجه تأثیر به منشأ استناد وقوع، تعبیر شده است. (قائمی، ۱۴۳۰، ۲: ۱۳۴)

۲. تعدد اسباب در اصول فقه

در اصول فقه تعدد اسباب به گونه‌ای که بیان شد مطرح نشده، ولی در برخی از کتب اصولی بحثی تحت عنوان تداخل اسباب مطرح شده است و آن این است که اگر سبب متعدد و جزا واحد باشد، مانند اینکه گفته شود «هرگاه قضای حاجت کردی وضو بگیر» و «هرگاه خوابیدی وضو بگیر» یا مثلاً «ان مسست المیت فاغتسل» و «ان اجنبت فاغتسل». (مکارم شیرازی، بی‌تا، ۲: ۴۰) در این صورت، همه اسباب یاد شده یک اثر دارد و آن حدث است؛ (نجفی، ۱۴۳۲، ۲: ۱۱۰) باید بگوییم برای هر دو سبب یک وجوب وضو کافی است. چنان‌که اگر قائل به تداخل مسببات شویم نیز باید بگوییم یک مرتبه انجام دادن تکلیف برای امثال دو وجوب کفایت می‌کند و نیاز نیست دو تکلیف را دو بار انجام داد. در نظر اکثر اصولیان، اصل بر عدم تداخل اسباب و مسببات است و در مواردی مثل انجام غسل واحد برای سبب‌های متعدد دلیل و نص وجود دارد. (سبحانی، ۱۳۷۹، ۱: ۴۱۰)

بنابراین اگر بخواهیم اصل عدم تداخل اسباب و مسببات را پیاده کنیم، باید بگوییم که هر یک از اسباب به عنوان سبب مستقل مسئول جنایت شناخته می‌شود. نکته‌ای که از این مقایسه به دست می‌آید آن است که حتی نظریه مسئولیت تضامنی نیز



شاید مورد انتقاد قرار بگیرد؛ زیرا مسئولیت، وقتی تضامنی است که «موضوع» دو یا چند تعهد واحد؛ اما «منبع» ایجاد تعهدات مزبور متعدد است. (سنه‌وری، ۱۹۹۸، ۳: ۲۵۸) به عبارتی زمانی که سبب خسارت، متعدد بوده؛ اما خسارت واحدی ایجاد شود، جایگاه طرح تضامن خواهد بود. حال آنکه تضامن، التزامی است که منشأ آن واحد، ولی روابط متعدد است. «حتی با فرض پذیرش این نظریه در امور قراردادی نیز ممکن است با اشکال مواجه شود؛ زیرا گفته شده همان طوری که قرار گرفتن یک مال به طور هم‌زمان در دو مکان محال است، قرار گرفتن مال واحد به طور هم‌زمان بر دو عهد مختلف هم محال است». (محقق نائینی، ۱۴۱۳، ۲: ۲۸۳)

هم‌چنین در اصول فقه، اصل بر عدم تداخل اسباب و مسببات است و با هر سببی، تکلیف خاصی حاصل می‌شود. بر اساس این قاعده اصولی باید بگوییم که در این دو ماده، اصل آن است که تأثیر اسباب را متفاوت بدانیم و بگوییم تکلیف در هر سبب، خاص همان سبب است و مسئولیت هر یک از مرتکبان به صورت جداگانه و بنا بر نحوه تأثیر هریک، باید لحاظ شود. با این بیان، در مورد تصادفات رانندگی که جبران خسارت به نحو تساوی بیان شده، گویا از این اصل خارج شده و شاید تحت عنوان بحث اصولی تعدد شرط و اتحاد جزا قرار گرفته باشد.

اکنون یا باید با توجه به نظریه «دست برداشتن از انحصار در سببیت» هر دو عامل را با هم به عنوان علت مسئولیت قلمداد کنیم و قائل به تساوی مسئولیت مدنی شویم، یا بنا بر نظریه «دست برداشتن از استقلال در سببیت». (ر.ک. آخوند خراسانی، بی‌تا: ۲۰۱) عمل هر یک از عاملین را به عنوان شروط تحقق مسئولیت فرض کنیم و جزا که همان ایجاد مسئولیت است را به عنوان جزای واحد در نظر بگیریم؛ که بنا بر این نظریه باید قائل به مسئولیت علی‌البدل هر یک از سبب‌ها شویم؛ زیرا در هنگام تعدد شرط و اتحاد جزا با توجه به نظریه دست برداشتن از استقلال در سببیت، چنانکه یکی از شروط تحقق یابد، جزا، تحقق پیدا می‌کند. با توجه به این نظریه چون هر یک از شروط به تنهایی هم می‌توانستند باعث ایجاد جزا شوند و به بیان دیگر چون هر یک از مسبب‌ها می‌توانستند باعث ایجاد مسئولیت شوند پس با مسئول شناختن یکی از

این اسباب باید مشکل حل شود.

باید گفت نظریه دوم هرچند در اصول فقه طرفدارانی دارد (ر.ک. آخوند خراسانی، بی تا: ۲۰۱) ولی تطبیق نظریه دوم به طور خاص، بر این مسئله و قائل شدن به مسئولیت علی البدل درست نیست؛ زیرا باعث زیر سؤال رفتن عدالت و انصاف شده و تحمل ضرر را بدون هیچ دلیلی بر دوش یکی از مسبب‌ها قرار می‌دهد. همچنین اینکه کدام یک از این سبب‌ها مسئول شناخته شوند باز، خود جای سؤال است. چنانکه تطبیق این قاعده اصولی به طور عام نیز در این مسئله نمی‌تواند جایگاهی داشته باشد. (ر.ک. نجفی، ۱۴۳۲، ۴۲: ۶۲۶۴)

۳. راه حل تعارض

۳-۱. تعاریف تعارض

تعریف اول: «ان التعارض تنافی مدلولی الدلیلین علی وجه التناقض او التضاد و کیف کان فلا یتحقق الا بعد اتحاد الموضوع والا لم یمتنع اجتماعهما؛ تعارض، تنافی مدلول دو دلیل است به وجه تناقض یا تضاد و هرگونه که باشد، تعارض تحقق نمی‌یابد مگر بعد از اتحاد موضوع؛ زیرا اگر موضوع آن‌ها واحد نباشد اجتماع آن‌ها با هم ممتنع نمی‌شود». (انصاری، ۱۴۰۷، ۲: ۴۳۷)

تعریف دوم: «التعارض هو تنافی الدلیلین او الادله بحسب الدلاله و مقام الاثبات علی وجه التناقض؛ تعارض تنافی دو دلیل یا ادله است بر حسب دلالت و مقام اثبات بر وجه تناقض». (مظفر، ۱۴۱۵: ۱۹۶)

با توجه به تعاریف ذکر شده، معنای معارضه این است که وقتی مقومات حجیت کامل باشد هر یک از دو دلیل، دیگری را باطل ساخته و آن را تکذیب می‌نماید و این تکاذب یا در تمامی مدلول‌ها و جهات دلالت دو دلیل است، یا در برخی از جهات است به گونه‌ای که بقای حجیت هر یک از آن دو دلیل را با فرض بقای حجیت دلیل دیگر نمی‌توان فرض کرد و به هر دو با هم نمی‌توان عمل کرد. در منطق نیز تعارض، به معنای اختلاف دو حکم یا دو قضیه در صدق و کذب است. بنابراین



اختلاف دو حکم یا دو قضیه در صدق و کذب یا اختلاف دو استدلال را که هریک به نتیجه‌ای نقیض نتیجه استدلال دیگر منجر گردد، تعارض گویند. (خوانساری، ۱۳۷۶: ۶۱)

۲-۳. اقسام تعارض در اصول فقه

تعاریفی که برای تعارض بیان شده مربوط به تعارض مستقر است؛ زیرا وقتی تعارض به صورت مطلق بیان می‌شود، مراد تعارض مستقر است. در حالی که در برخی موارد تعارض، به نحو غیرمستقر است که از آن به جمع عرفی تعبیر می‌شود. بر این اساس تعارض به دو نوع ذیل قابل تقسیم و تبیین است:

الف. تعارض مستقر: این تعارض درجایی به وجود می‌آید که بین مدلول دو دلیل تنافی به گونه‌ای باشد که امکان جمع بین آن‌ها وجود نداشته باشد. مثلاً فرض شود که در دو ماده که موضوع هر دو تصادفات باشد، ولی در یکی به نحو تساوی و در دیگری به نحو درجه تأثیر، جبران خسارت شده باشد. یا موضوع هر دو اتلاف باشد، ولی برای جبران خسارت در یک ماده تقصیر لحاظ شود، ولی در ماده دیگر درجه تقصیر لحاظ نشود. قاعده اولی در هنگام تعارض مستقر، تساقط است. (مظفر، ۱۳۷۰: ۲۱۴)

گاهی این گونه از تعارض که تحت عنوان تباین به نحو کلی نیز تعبیر می‌شود، بین شرع و قانون ممکن است حاصل شود؛ مثلاً در مسئله اکراه در قتل که نظر مشهور فقها این است که اکراه در قتل، مجوز قتل و موجب سقوط قصاص نیست؛ (نجفی، ۱۴۳۲، ۴۲: ۴۷) اما نظریه مخالف آن، این است که اکراه در قتل مجوز قتل است و قاتل مکره به پرداخت دیه محکوم می‌شود. (روحانی، بی تا: ۶۴) در این موضوع، بر اساس ماده ۳۷۵ قانون مجازات اسلامی، مشخص می‌گردد که قانون با نظر مشهور منطبق است.

چنانکه گفته خواهد شد بین این دو ماده، تعارض به نحو مستقر وجود ندارد؛ زیرا بین این دو ماده تکاذب وجود ندارد و هیچ‌یک از شروط تعارض نیز وجود ندارد. (ر.ک: مظفر، ۱۳۷۰، ۲: ۱۹۲-۱۹۴) و می‌توان به نحوی بین این دو ماده را جمع کرد.



ب. تعارض غیر مستقر: این تعارض به گونه‌ای است که امکان جمع عرفی بین مدلول دو دلیل وجود دارد و تباین به صورت کلی نیست، بلکه ممکن است تباین به صورت عام و خاص یا مطلق و مقید باشد.

یکی از ابتکارات شیخ انصاری که به وسیله آن، باب جدیدی در اسلوب استدلالی و استنباط احکام گشوده شده، این است برخی از ادله بر برخی دیگر مقدم می‌شود، در حالی که نسبت بین آن‌ها عموم و خصوص مطلق نیست تا از باب تقدیم خاص بر عام باشد، بلکه چه بسا نسبت بین آن‌ها عموم و خصوص من وجه است و مقدم داشتن این دسته از ادله سبب نمی‌شود که ادله دیگر از حجیت ساقط شود و بین این دودسته از ادله قواعد باب تعارض جاری نمی‌شود. (ر.ک. شیخ انصاری، ۱۴۰۷، ۲: ۷۵۰-۷۵۲) و در اصطلاح برخی از اصولیان به نحو «تعارض غیر مستقر» تعبیر شده است. (صدر، ۱۴۱۵، ۲: ۴۵۶) بنابراین لازم است بین دو دلیل به گونه‌ای جمع شود. اقسام جمع عرفی عبارت است از حکومت، ورود، تخصیص و تخصص (ر.ک. نائینی، ۱۳۶۹، ۲: ۵۱۱-۶۲۹) در همه این اقسام، نوعی تقدم حاصل می‌شود؛ چنانکه در حکومت، تقدم قرینه بر ذی القرینه، در ورود تقدم وارد بر مورود و در تخصیص تقدم خاص بر عام و در تخصص، تقدم به نحو خروج موضوعی است.

اکنون باید دید که بین دو ماده ۵۲۶ و ۵۲۸ کدام وجه از وجوه تعارض وجود دارد. به یقین بین این دو تعارض مستقر وجود ندارد؛ زیرا شرط تعارض مستقر آن است که موضوع آن‌ها واحد بوده و اجتماع آن‌ها غیر ممکن باشد. با کمی دقت در می‌یابیم که موضوع این دو ماده باهم متفاوت است؛ زیرا موضوع ماده ۵۲۸ خاص تصادفات رانندگی است. چنانکه می‌بینیم در ابتدای ماده مقرر شده است: «هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آن‌ها کشته شوند یا آسیب ببینند...» در حالی که موضوع ماده ۵۲۶ در مورد وقوع جنایت به نحو مطلق و عام است. چنانکه در ابتدای ماده مقرر شده است «هرگاه دو یا چند عامل...» و تصریحی نسبت به اینکه موضوع، خاص تصادفات باشد، نشده است.

حال اگر فقط بخواهیم در موضوع دو دلیل تصرف کنیم، باید دلیل خاص را بر عام



مقدم کنیم؛ یعنی از تخصیص استفاده کرده و بگوییم حکم عام شامل دلیل خاص نمی‌شود. بنابراین در تصادفات رانندگی، جبران خسارت به نحو تأثیر رفتار مرتکبان که در دلیل عام آمده نیست؛ یعنی بحث سبب و مباشر در آن مطرح نمی‌شود و جبران خسارت به نحو تساوی است؛ اما با نگاهی دقیق‌تر درمی‌یابیم که رابطه بین این دو ماده، عموم و خصوص من وجه است.

با مقایسه دو ماده ۵۲۸ و ۵۲۶ به دست می‌آید که ماده ۵۲۶ در مورد اجتماع سبب و مباشر بوده و درجه تأثیر را لحاظ کرده است، ولی ماده ۵۲۸ به صورت تساوی به جبران خسارت حکم داده است. از این جهت نسبت به ماده ۵۲۸ خاص است، ولی از جهت اینکه خاص تصادفات نیست، عام است. سؤال اساسی این است که آیا می‌توان الغای خصوصیت کرد و در نحوه دوم و سوم قائل به تساوی به جبران خسارت شد و تأثیر رفتار مرتکبان را لحاظ نکرد؟

با نگاهی به ماده ۵۲۸ درمی‌یابیم که این ماده خاص تصادفات وسایل نقلیه است، ولی از این جهت که درجه تأثیر را لحاظ نکرده و به صورت کلی به تساوی جبران خسارت حکم داده، عام است. سؤال اساسی که در این زمینه مطرح می‌شود، این است که آیا می‌توان الغای خصوصیت کرد و درجه تأثیر را در مورد تصادفات لحاظ کرد؟

در صورتی که درجه تأثیر در مورد تصادفات لحاظ گردد، باید بگوییم بین این دو ماده هیچ‌گونه تعارضی نه به نحو مستقر و نه به نحو غیرمستقر وجود ندارد. در حالی که بین این دو ماده از جهاتی، افتراق وجود دارد.

نقطه افتراق از جانب ماده ۵۲۸، تصادفات و از جانب ماده ۵۲۶، اجتماع سبب و مباشر و لحاظ درجه تأثیر است. در حالی که هر دو ماده مربوط به وقوع جنایت است. یکی از مصادیق عرفی تعارض غیرمستقر وقتی است که بین دو دلیل، رابطه عموم و خصوص من وجه باشد؛ یعنی یکی از دو دلیل عام‌طوری است که اگر در مورد آن فقط به ماده افتراق اکتفا کنیم، لازمه آن تخصیص اکثر است که قبیح است. (مظفر،

پس اگر ماده ۵۲۶ را مقدم کنیم باید بگوییم که در همه جا باید جبران خسارت به نحو تساوی باشد به جز در مواردی که برخی به مباشرت و برخی به تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشد (غیر مورد تصادفات).

این تخصیص از دو جهت اشکال دارد:

جهت اول اینکه تخصیص اکثر لازم می‌آید؛ زیرا موارد جنایت ناشی از غیر تصادفات، بیشتر از جنایات ناشی از بروز تصادفات است. مثلاً در برخی از آمارها، مرگ و میر ناشی از تصادفات رانندگی، ۲۹ درصد اعلام می‌شود. این در حالی است که بسیاری از جنایات ریشه در امور دیگری دارند؛ از جمله قتل عمد، قتل غیر عمد، قتل‌های اتفاقی، تهدید، اجبار، اکراه، مسموم کردن و غیره.

جهت دوم اینکه تصادفات، خارج از مورد تعدد اسباب قرار گرفته است. در حالی که در تصادفات نیز گاهی وقوع جنایت، بر اثر اسباب متعدد حاصل می‌شود. مثلاً در برخورد سه وسیله نقلیه با هم، ممکن است یک راننده مباشر وقوع جنایت باشد، ولی راننده دیگر سبب وقوع جنایت گردد. چنانکه در جاده‌های یخبندان مشاهده می‌شود که یک وسیله با وسیله دیگر برخورد می‌کند و آن وسیله با برخورد به یک وسیله دیگر باعث بروز حادثه می‌شود. اگر ماده ۵۲۸ را مقدم کنیم باید بگوییم که درجه تأثیر، ملاک قرار می‌گیرد الا در تصادفات. در نتیجه اگر دو راننده با یکدیگر تصادف کنند، هر یک مسئول پرداخت نصف دیه طرف مقابل است مطلقاً. این نظر منطبق بر نص قانون و فقه امامیه است.^۱

در تقدیم ماده ۵۲۸ بر ماده ۵۲۶ هیچ محذوری حاصل نمی‌شود و جمع عرفی به نحو مطلوب، بین دو ماده صورت می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

مقایسه مواد قانونی، باعث می‌شود که این مواد به صورت مبنایی و منطقی به کار گرفته شود. اگر مسبب و مباشر با هم جمع شود، باید دید کدام یک اقوی و مؤثرتر

۱. «فیهدر النصف مقابل فعله ویضمن شریکه النصف، بلا خلاف أجده، بیننا» (نجفی، ۱۴۳۲، ۴۳: ۶۳؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۲، ۶۰۴: ۲)، «فلکل منهما علی صاحبه نصف قیمه ما ألتفه». (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۰، ۱: ۵۳۶) هرگاه حادثه مستند به هر دو طرف باشد، هر یک ضامن نصف دیه می‌باشند.



است. اگر مباشر، مختار و عاقل باشد و به عمل خود و نتیجه آن، التفات و توجه داشته باشد، ضامن و مسبب فاقد ضمان است؛ اما اگر مباشر صاحب اراده و شعور نباشد، مسبب ضامن خواهد بود.

در بررسی اجتماع اسباب، در صورت وجود مباشر و اقوی نبودن سبب از مباشر باید قائل به مسئولیت مباشر شد و در صورت تساوی مباشر و سبب در جنایت، در صورت استناد عرفی جنایت به هر دو، مسئولیت به نحو تساوی است. در غیر این صورت‌ها سبب اقوی از مباشر قلمداد شده و مسئول است.

در صورت اجتماع چند عامل، برخی به مباشرت و برخی به تسبیب، هیچ‌گاه نمی‌توان به‌عنوان یک قاعده کلی، لحاظ درجه تأثیر را پذیرفت و آن را مبنا قرار داد؛ زیرا چنین مبنایی با توجه به قانون مجازات اسلامی، به نحو تقدم ماده ۵۲۶ بر ماده ۵۲۸ خواهد بود. در حالی که ماده ۵۲۶ نمی‌تواند بر ماده ۵۲۸، به نحو تخصص تقدم پیدا کرده و آن را تخصیص بزند یا بر آن وارد شده یا حاکم بر آن شود.

اگر مسئله تعدد اسباب در قوانین را با مسئله اصولی تعدد شرط و اتحاد جزا مقایسه کنیم، بر اساس دو راه حل اصولی مطرح شده در این زمینه، با توجه به دو نظریه «دست برداشتن از انحصار در سببیت» و «دست برداشتن از استقلال در سببیت»، دو راه حل پیشنهاد می‌شود. راه حل اول، تساوی در مسئولیت مدنی و راه حل دوم، مسئولیت علی‌البدل هر یک از مسبب‌ها خواهد بود. راه حل دوم هر چند در اصول فقه طرفدارانی دارد، ولی تطبیق آن بر این مسئله باعث بروز مشکلاتی می‌شود.

تقدم ماده ۵۲۸ بر ماده ۵۲۶ به نحو تخصیص و تخصص و ورود، قابل پذیرش نیست، فقط این تقدم به نحو حکومت بوده و ماده ۵۲۸ به‌عنوان دلیل حاکم موضوع ماده ۵۲۶ را تضییق می‌کند؛ مانند جایی که گفته می‌شود «ربا حرام است به جز در مورد ولد و والد». در اینجا هم می‌گوییم در همه جا باید درجه تأثیر را لحاظ کرد، به جز در مورد تصادفات رانندگی.

تقدم این ماده نمی‌تواند به نحو تخصیص باشد؛ زیرا تخصیص در جایی است که رابطه بین دو دلیل نسبت عام و خاص مطلق باشد. در حالی که که رابطه بین این دو



ماده نسبت عموم و خصوص من وجه است.

تقدم این ماده بر اساس ورود نیز نمی‌تواند باشد؛ زیرا رفع واقعی صورت نگرفته، بلکه عنایتاً و مجازاً چنین رفعی صورت گرفته است؛ یعنی چنانکه بین پدر و پسر حقیقتاً ربا وجود دارد، ولی مجازاً ربا نفی شده است. در ماده ۵۲۸ رابطه سببیت وجود دارد و مورد از موارد تعدد اسباب است، ولی درجه تأثیر در آن ملاک قرار نمی‌گیرد.

تقدم این ماده نمی‌تواند به نحو تخصص نیز باشد؛ زیرا در مورد تخصص یک دلیل به صورت حقیقی و تکوینی از موضوع دلیل دیگر خارج می‌شود و در مورد ماده این گونه نیست.

بنابراین ماده ۵۲۸ حاکم بر ماده ۵۲۶ شده و دامنه این ماده را مضیق می‌کند و نتیجه حاصله آن است که درجه تأثیر، ملاک قرار می‌گیرد الا در تصادفات.

فهرست منابع

۱. انصاری، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۰۷ق)، *فرائد الاصول*، (محقق: عبدالله نورانی)، قم: جامعه مدرسین.
۲. آخوند خراسانی، شیخ محمدکاظم، (بی تا)، *کفایه الاصول*، قم: مؤسسه آل البيت^(ع) لاحیاء التراث.
۳. آقای نیا، حسین، (۱۳۹۶)، *جرائم علیه اشخاص (جنايات)* تهران: انتشارات میزان.
۴. آملی، شیخ محمد تقی، (۱۴۱۳ق)، *المکاسب و الیبع*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۶)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.
۶. خوانساری، محمد، (۱۳۷۶)، *فرهنگ اصطلاحات منطقی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۷. روحانی، سید محمد حسن، (بی تا)، *تکمله المنهاج الصالحین*، نجف: مطبعة الآداب.
۸. سبحانی، جعفر، (۱۳۷۹)، *الموجز فی اصول الفقه*، قم: حقوق اسلامی.
۹. سنهوری، عبدالرزاق، (۱۹۹۸م)، *الوسیط*، قاهره: دارالنهضة العربیه.
۱۰. شیخ طوسی، (۱۳۶۲)، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران: المكتبة المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۱۱. صدر، سید محمد باقر، (۱۴۱۷ق)، *دروس فی علم الاصول*، قم: جامعه مدرسین.
۱۲. صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب الله، (۱۳۹۷)، *مسئولیت مدنی تطبیقی*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۱۳. فاضل لنکرانی، محمد، (۱۳۸۰)، *تفصیل الشریعة: القصاص*، قم: مرکز فقه الاثمه الاطهار^(ع).
۱۴. قاضی بن براج، (۱۴۱۸ق)، *جواهر الفقه وتلیه رسالتان للسید المرتضی والشیخ*، بی جا: بی نا.



۱۵. قانون مجازات اسلامی.
۱۶. قائمی، شیخ محمد، (۱۴۳۰ق)، مبسوط مسائل طبیه، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار^(ع).
۱۷. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶)، الزام‌های خارج از قرارداد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. مظفر، محمدرضا، (۱۳۷۰)، اصول الفقه، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۱۹. مکارم شیرازی، (بی‌تا)، انوار الاصول، قم: نشر مدرسه امام امیر المومنین^(ع).
۲۰. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۳)، تحریر الوسیله، قم: انتشارات اسلامی.
۲۱. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، (۲۰۰۷م)، مبانی تکمة المنهاج، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۲۲. میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۸۷)، جرائم علیه اشخاص، تهران: نشر میزان.
۲۳. نائینی، محمد حسین، (۱۳۶۹)، اجود التقريرات، مقرر، خویی، ابو القاسم، موسسه مطبوعاتی دینی.
۲۴. نجفی، الشیخ محمد حسن، (۱۴۳۲ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
25. J. CARBONNIER, Droit Civil, T.4, Les Obligations, 20e ed. 1996, no 249; T.2, Les biens et les obligations, 3e ed. 1962, no 193
26. G.MARTY et P.RAYNAUD, Droit civil, T.2, 1er vol., les obligations, Paris 1962, no 446; H. L. J. MAZEAUD et F.CHABAS, Leçons de Droit civil, T.2, Obligations, 8e ed. Paris 1997, no 599